

مراتب عالم هستی در دیدگاه شیخ اشراق



صدیقه
قلی‌زاده

دبیر فلسفه و منطق
شهرستان سرایان (خراسان جنوبی)

مقدمه

آفرینش و سلسله مراتب عالم هستی پرداخته است. سهروردی با استفاده از قواعدی نظیر قاعده تشکیک، الواحد و امکان اشرف به اثبات نظریات مبتنی بر مفهوم نور خویش می‌پردازد و در این راستا به وجود عالم مثال قائل می‌شود. شیوه او، علاوه بر استدلال‌های عقلانی، تکیه بر کشف و شهود نیز هست.

کلیدواژه‌ها: نور، نورالأنوار، نور اقرب، انوار قاهره، ارباب انواع، عالم مثال

آدمی با سیر و سلوک در مسیر اندیشه و تفکر بشر همواره در مواجهه با سؤالات بنیادین و اساسی قرار می‌گیرد. سلسله مراتب عالم هستی و چگونگی آفرینش از جمله مسائل بنیادینی است که در مشرب‌های فلسفی گوناگون مورد توجه اندیشمندان و فیلسوفان بزرگ بوده است. شیخ اشراق، سهروردی، با تمسک به مفهوم نور به توجیه و تبیین چگونگی

در نظر شیخ اشراق روشن‌ترین و بی‌نیازترین مفهوم‌ها، مفهوم نور است و به همین دلیل است که مبنای فلسفه و اساس هستی‌شناسی او قرار می‌گیرد

مفهوم نور

در نظر شیخ اشراق روشن‌ترین و بی‌نیازترین مفهوم‌ها، مفهوم نور است و به همین دلیل است که مبنای فلسفه و اساس هستی‌شناسی او قرار می‌گیرد. نور از نظر او ذاتاً موجب ظهور غیر است. اگر آدمی به غیر واقف می‌شود به علت ظهور نور است. «نور چیزی جز ظهور نیست، همان‌گونه که ظهور نیز چیزی جز نور نیست.» (نامهٔ سهروردی: ۸۱)

سهروردی آن‌گاه که می‌گوید: «هرکس از ذات خود غفلت نکند، ذاتش برای او ظهور خواهد داشت.» (نور در حکمت سهروردی: ۵۵)، رابطهٔ ظهور و ادراک را بیان می‌کند. او نفس را نیز محل ظهور نور می‌داند و ادراک را نیز ظهور شیء برای مدرک می‌داند.

نکتهٔ دیگری که پیرامون مفهوم نور و ظهور باید مطرح شود این است که مفهوم ظهور مفهومی عام و مشکک است.

نور مشکک است چرا که: «درمورد مصادیق مختلفی از قبیل نورواجب، نورعقل، نورآفتاب، نورنفس و ... صدق می‌کند. (همان: ۸۶)» «به‌نظر او یک حقیقت بسیط در مرتبه‌ای کامل و در مرتبهٔ دیگر ناقص است و امتیاز دیگری ندارد.» (نور در حکمت سهروردی: ۶۱)

مراتب عالم هستی

نور الأنوار

در سلسله مراتب عالم هستی نقطهٔ آغاز و پایان و اول و آخر، ذات اقدس اله است، که در اصطلاح فلسفی واجب‌الوجود است و تمامی معلول‌ها به او ختم می‌شوند و خود علّة‌العلل است، که شیخ اشراق از آن به نورالأنوار تعبیر می‌کند. سهروردی این‌گونه به اثبات نورالأنوار می‌پردازد:

«اگر نور مجرد در تحقق خود فقیر باشد حتماً به نور قائم به خویش مفتقر خواهد بود و آن‌گاه سلسلهٔ انوار قائم (به خویش) و وابسته به یکدیگر (مترتبه) نباید نامتناهی باشد. زیرا چیزهایی که به هم وابسته (مترتبات) و مجتمع هستند، متناهی‌اند. پس انوار قائم و عارض و برارخ و هیئت‌های آن‌ها به نوری منتهی می‌شوند که ورای آن نوری نیست و آن نورالأنوار، نور محیط، نور قیوم، نور مقدس، نور اعظم‌العلی و همان نور قهار ذوغنی مطلق است، زیرا چیزی دیگر ورای او نیست.» (درآمدی بر فلسفه اشراق: ۱۲۳)

عالم انوار قاهرهٔ طولی

شیخ اشراق بر مبنای قاعدهٔ «الواحد» و قاعدهٔ «امکان اشرف» به توجیه و تبیین نظام آفرینش می‌پردازد. عالم هستی نزد این فیلسوف بزرگ نشانه‌ای از حضور دائم نورانیت و اشراق وجود نورالأنوار است. «از دیدگاه وی آفرینش، صدور و اشراق پرتوی از نورالأنوار است که به دلیل اطلاق و نامتناهی بودن کمالات او، و به دلیل اقتضای ذاتی فیضان نورالأنوار، این فرایند بدون کاهش‌پذیری و نقصان در مبدأ به نحو دائم و لاینقطع جریان دارد (عالم عقول از منظر ابن‌سینا و شیخ اشراق: ۱۹).

این فیلسوف بزرگ دربارهٔ چگونگی صدور کثرت از نورالأنوار، نور اقرب را مطرح می‌کند که در آن جهت کثرتی وجود ندارد. نور اقرب آن هنگام که شاهد جلال و جبروت نورالأنوار است، نور مجرد دیگر از او سر می‌زند و آن هنگام که خویش را در قیاس با شکوه نورالأنوار عین فقر و نیاز می‌بیند، برزخ‌اعلی از او سر می‌زند. به عبارت دیگر «با تعقل انتساب به نورالأنوار و احساس بی‌نیازی در نور اقرب یک جهت ضوء پیدا می‌شود که از این جهت نور قاهر بعدی صادر می‌شود. این ضوء و ظل در همهٔ انوار دیگر نیز وجود دارد. ظل که جهت فقری آن‌هاست موجب ایجاد عالم ماده و ضوء که ذاتی و جهت غنای آن‌هاست موجب صدور نور مجرد می‌شود.» (همان: ۲۲)

در واقع، نور اقرب چون به مرتبهٔ اعلای خویش می‌نگرد از او نور مجرد بعدی صادر می‌شود و چون در خویش می‌نگرد و خود را غیر نیاز و فقر چیزی نمی‌بیند عالم ماده و ظلمانی از او پدید می‌آید.

سهروردی برخلاف مشائین، که به عقول عشره قائل بودند و تعداد آن را محدود می‌دانستند، انوار قاهره را بیش از ده، بیست، صد و دویست می‌داند.

عالم انوار قاهرهٔ عرضی

از شاهکارهای فلسفی شهودی شیخ اشراق اثبات انوار قاهرهٔ عرضی است. در انوار قاهرهٔ طولی نوعی رابطهٔ علت و معلول حاکم بود و میان انوار عالی و سافل تفاوت در رتبه و تقدم و تأخر بود. اما در انوار قاهرهٔ عرضی که در عرض یکدیگر هستند، رابطهٔ علی و معلولی وجود ندارد. این انوار را سهروردی با نام‌های گوناگونی چون مُثُل افلاطونی، ارباب انواع، مثل نوریه، ارباب طلسمات و اصحاب اصنام می‌خواند. ارباب انواع در واقع مدیر و مدبّر و حافظ آن نوع‌اند.

رابطهٔ میان این کلی یا رب‌النوع با نوع جسمانی موجود در عالم ماده به منزلهٔ صنم و سایه است. یعنی انواع جسمانی، سایه‌هایی از صنم موجود در عالم انوار است. البته این اصطلاحات تعبیر گوناگون مثلی است که افلاطون به آن قائل بود.

اثبات ارباب اصنام یا ارباب انواع

شیخ اشراق برای اثبات ارباب انواع چهار استدلال بیان می‌کند. استدلال‌های سهروردی به دو طریق اقناعی و شهودی مطرح شده است. در این مجال به استدلال مبتنی بر قاعده «امکان اشرف» اشاره می‌کنیم. بر طبق قاعده امکان اشرف، هرگاه موجودی ناقص و غیراشرف وجود یافته باشد، موجود کامل و اشرف مقدم بر آن است و چون موجود ناقص وجود دارد پس موجود کامل و اشرف وجود یافته است.

منظور از موجود اشرف همان ارباب انواع یا اصنام است. اما تأثیر ارباب انواع در عالم طبیعت به واسطه رشته دیگری از مجردات صورت می‌گیرد که سهروردی نام آن را «انوار مدبره» یا «اسپهبدیه» می‌گذارد. در نتیجه نظام نوری سهروردی به این ترتیب بیان می‌شود: «نورالانوار مجرد تام و غنی مطلق و بالاترین مرتبه نور است و ورای آن نوری نیست و مراتب بعدی آن به ترتیب عبارت‌اند از: انوار قاهره اعلون (عقول طولیه)؛ ارباب اصنام (عقول عرضیه)؛ انوار اسپهبدیه یا انوار مدبره که خود بر دو قسم‌اند: انوار مدبر فلکی و انوار مدبر انسانی و تا اینجا همه مراتب مجردند و پس از آن عالم مثال که حد واسط بین مجردات و محسوسات است، قرار دارد که خود شامل صور معلقه ظلمانیه است و در نهایت، عالم محسوسات است که شامل عالم افلاک (بrazخ فلکی) و عالم عناصر (بrazخ عنصری) می‌شوند.» (تحلیل روش شیخ اشراق در مسئله تبیین: ۸۸)

ضرورت عالم مثال از دو جنبه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی

همان‌گونه که بیان شد، عالم مثال حد واسطی است میان عالم مجرد و عالم ماده، که در نظام فلسفی سهروردی نقشی اساسی ایفا می‌کند. یکی از مسائل و مشکلات در سلسله مراتب عالم هستی، بحث سنخیت میان موجودات هر مرتبه با مرتبه دیگر است، به این نحو که چگونه موجودات محض مجرد با موجودات عالم مادی مرتبط می‌شوند؟ شیخ اشراق با طرح عالم مثال منفصل، که در فیلسوفان گذشته به صورت متصل به نفس انسانی مطرح شده بود، مسئله مذکور را مرتفع می‌سازد.

«این عالم دارای خاصیت نیمه مجرد بوده و با هردو عالم مجرد و مادی دارای سنخیت است. پس جریان و پویش انوار، با فیض و صدور با تحقق این مرتبه امکان تحقق بخشیدن به عالم طبیعت را پیدا می‌کند.» (نامه سهروردی: ۹۲)

اما اهمیت دیگر عالم مثال، از جنبه معرفت‌شناختی آن است؛ چرا که حلقه اتصال روح و جان انسان پوینده راه حقیقت است، آن هنگام که از تمایلات نفسانی و ظلمانی خویش فاصله می‌گیرد و با جهد ریاضت‌مدارانه خویش به این عالم متصل می‌شود و حجاب‌ها را می‌زداید.

«از جنبه معرفت‌شناسی، عالم مثال منبع الهام حقایق و افاضه

نور اقرب آن هنگام که شاهد جلال و جبروت نورالانوار است، نور مجرد دیگر از او سر می‌زند و آن هنگام که خویش را در قیاس با شکوه نورالانوار عین فقر و نیاز می‌بیند، برزخ اعلی از او سر می‌زند

معارف به قوه خیال است و سبب می‌شود تا حقایق انبوهی که در این عالم مکنون است برای سالک طریق حقیقت و اهل ریاضت، آشکار شود. به علاوه عالم مثال، سرچشمه ادراک حسی و خیالی برای انسان‌هاست. از جنبه دین‌شناسی نیز باید گفت عالم مثال با اوصافی که از طرف سهروردی بیان می‌شود، زمینه پیوند و سازگاری دین و فلسفه و عرفان را آماده می‌سازد. مانند آنکه سهروردی منبع الهام نبی و فیلسوف سالک و عارف را عالم مثال می‌داند. علاوه بر این مسئله وحی انبیا، معاد انسان‌ها، جایگاه پس از مرگ آدمیان و... به توسط وجود همین عالم توجیه و تفسیر می‌شود» (نامه سهروردی، ص ۹۳).

نتیجه

شیخ اشراق با تمسک به نور تمام عالم هستی را براساس آن تفسیر می‌کند و بر همین اساس، واجب‌الوجود مثالی را به نورالانوار تغییر می‌دهد. در توجیه آفرینش نیز جریان آفرینش را افاضه و اشراق نورالانوار می‌داند و مراتب هستی را همچون تشعشی از نورالانوار می‌داند که دائمی و همیشگی است و لحظه‌ای وقفه در آن راه ندارد. نور در نظر او حقیقتی مشکک است و با اعتقاد به قاعده «الواحد» صدور کثیر از واحد را جایز نمی‌داند، پس آنچه از نورالانوار صادر می‌شود نور مجرد بسیط است، به نام نور اقرب. از نور اقرب نیز بقیه انوار قاهره طولی و عرضی صادر می‌شود. شیخ بزرگ به چهار عالم در کل نظام آفرینش قائل است که براساس مراتب صدور نور مطرح می‌شوند. آنچه در سهروردی برجسته است طرح عالم مثال به منزله واسطه‌ای بین عالم مجرد و مادی است که از جنبه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دارای اهمیت است.

منابع

۱. احسن، مجید؛ و یدالله یزدان‌پناه، «عالم عقول از منظر ابن‌سینا و شیخ اشراق»، نشریه معرفت فلسفی سال هشتم، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۹.
۲. اکبری، فتحعلی؛ درآمدی بر فلسفه اشراق، دانا، ۱۳۸۹.
۳. دهبی، سیدعباس؛ «تحلیل روش شیخ اشراق در مسئله تبیین»، نشریه نامه حکمت، شماره هفتم بهار و تابستان، ۱۳۸۵
۴. محمدخانی، علی‌اصغر؛ و حسین سیدعرب، نامه سهروردی، مجموعه مقالات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۵. نوربخش، سیما؛ نور در حکمت سهروردی، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۳.
۶. یثربی، سیدیحیی؛ حکمت اشراق سهروردی، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.